

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۳۰ دسمبر ۲۰۱۲



«خاطرات زندان»

شمشیر بُران بر گلوی دژخیمان

رفیق گرامی «کبیر توخی» از اعضای سابق سازمان انقلابی «ساوو»، مبارز زندان دیده و مقاوم جنبش انقلابی کشور ما، نویسنده شجاع، مبتکر و خلاق در یکی از ایمیل هایش به سازمان انقلابی افغانستان چنین نگاشته است: «قسمت های جلد سوم خاطرات زندان که به پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» فرستاده شده، به همین تازگی ها تمام شد. من از آغاز تجدید چاپ دوم آن (چاپ دوم جلد سوم) این اثر را به بنیانگذار سازمان پرافتخار شما، یعنی زنده یاد رفیق پاغر - مردی که از میان طوفان و امواج تباهنک اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی طرح کشتی کمونیست های واقعی، یعنی سازمان انقلابی افغانستان را ریخت و کار بس سترگ ساختمان آن را در شرایط تجاوز عجیب و بی سابقه و بسیار خونبار به اتمام رساند - با تمام احساس کمونیستی اهداء کرده ام.»

سازمان انقلابی افغانستان از اهدای جلد سوم «خاطرات زندان»، نوشته با ارزش رفیق «توخی» به رفیق «پاغر» رهبر و بنیانگذار سازمان انقلابی افغانستان رفیقانه اظهار سپاس می نماید. این خاطرات مملو از آموزش و تعهد به راه پر افتخار و خرائین انقلاب است و مبارزه درون زندان، مقاومت انقلابیون، پیروزی ها و شکست ها، جنایات و قساوت خادیست ها را به روشنی انعکاس می دهد. جنبش انقلابی کشور ما که شهدای بسیاری را تقدیم راه آزادی نموده و تعداد کثیری از رفقای جنبش ما بهترین سال های عمر شان را پشت میله های زندان ها مخصوصاً زندان مخوف پلچرخ به امید فردای بهتر برای انسان ها سپری کرده اند، بزرگترین افتخار را برای جنبش انقلابی افغانستان کمائی کرده اند. رفیق توخی یکی از این فرزندان صدیق، مبارز، انقلابی و متعهد این جنبش که لحظه های شکوهمند زندگی مبارزاتی خود را در زندان پلچرخ گذرانده و خاطرات آن روزگار سیاه و پر از جنایت را تدوین نموده است، «خاطرات زندان» را در روزگاری با احساس کمونیستی به رفیق «پاغر» تقدیم می دارد که آن رفیق عزیز ما، هنوز هم در آماج کین اپورتونیست های بی آرم قرار دارد.

اهدای این حماسه به رهبر و بنیانگذار سازمان انقلابی افغانستان، زنده یاد «پاغر»، برای ما ارزش و شکوه خاصی دارد. کتاب «خاطرات زندان» که در آن ناقوس مبارزه و پیکار با آواز بلند به صدا درآمده است، در آن شمشیر

بُران رزمندگان بر گوی دژخیمان خلق فرو می آید، در آن سپیده دم استقلال و آزادی و برابری بر تیرگی ها و تاریکی ها غلبه می کند، در آن مشت ها گره می خورد، لب ها سرود خلق را تکرار می کند و قلب های آکنده از عشق با تک ضربه های ترانه های آزادی با ضربان تند و سریع می زند، اهدای آن به رهبر و بنیانگذاری که در چنین وضعیتی زندگی مبارزاتی خود را آغاز می کند، در نبرد رهائی بخش ماشه می چکاند، سازماندهی می کند، تدریس می نماید، روشنگری می کند و فانوس عمرش را با قوغ مبارزه و پیکار روشن نگه می دارد، از اهمیت ویژه برخوردار است. اگر رفیق "توخی" در زندان خادیسست ها به عنوان فرزند واقعی توده های ستمدیده، غرور یک انقلابی واقعی، شهامت، پایداری و فداکاری یک کمونیست را بر در و دیوار زندان حک می کرد، رفیق "پاغر" در همان روزگار در سنگرهای داغ استقلال در کنار توده ها با صفر گلوه های سرخ، آزادی انسانیت را هاشور می زد، و همینجاست که این دو مبارز با هم پیوند می خورند و یکدیگر خود را می یابند و بر ستیغ مبارزه انقلابی جنبش ما شکوهمندی شان را به جا می گذارند.

اهدای این خاطرات به رهبر و بنیانگذار سازمان ما، زنده یاد "پاغر" اگر از یک سو حقانیت مبارزه سازمان انقلابی افغانستان را به نمایش می گذارد، از سوی دیگر به ما نیرو و توان بیشتر در مبارزه می بخشد. حمایت رفقای جنبش انقلابی افغانستان، رفقای که علیه دشمنان خلق رزمیده اند، مقاومت کرده اند، زخم برداشته اند و پایدار مانده اند، از کار و پیکار سازمان انقلابی افغانستان در پیروزی ها، موفقیت ها و دستاوردهای ما نقش بسزائی دارد، و ما از همه رفقاء به شمول رفیق «کبیر توخی» و رفیق «رحیمه توخی» به خاطر اهدای کتاب های خاطرات و حمایت شان از کار و مبارزه ما، رفیقانه اظهار سپاس می نمایم.

قابل تذکر می دانیم که «خاطرات زندان» در آگاهی نسل جوان انقلابی از جنایات سوسیال امپریالیزم، دولت پوشالی حزب دموکراتیک خلق و خادیسست های آن، راه های شکستن مقاومت به وسیله دشمن، مبارزه درون زندان و پایداری و مقاومت پولادین انقلابیون برای نسلی که در زیر اشغال امپریالیزم امریکا و متحدان ناتوی آن مبارزه می کنند، و در این مبارزه مطمئناً از پیگرد دولت پوشالی و اداره استخباراتی آن که پر از خادیسست های حزب دموکراتیک خلق است، در امان نمی مانند، ممد واقع می گردد. این «خاطرات» به نسل تازه انقلابیون می آموزاند که در بدترین و ناگوارترین وضعیت به منافع خلق اسیر و دربند فکر کنند، دشمن را با مقاومت و پایداری خود خوار و ذلیل سازند، بر زندگی شکوهمند مبارزاتی شان مستحکم بایستند و کینه طبقاتی را در خود پرورش دهند، و اگر ساطور دژخیمان با خون شان رنگین می شود، با «یک زندگی بزرگ، یک مرگ با شکوه» در داستان ها و شعرهای فولکلوریک توده ها به حماسه تبدیل شوند.

قلم تان سرخ باد!

با درودهای رفیقانه

سازمان انقلابی افغانستان